

Predictive factors for men's psychosocial arousal to polygamy life

Received: 23 - 12 - 2019

Accepted: 2 - 3 - 2020

Ghsem Esmaili	PhD student, Department of Counseling, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran
Seyed Alireza Afshani afshanalireza@yazd.ac.ir	Associate Professor of Sociology in Yazd University (Corresponding Author)
Mohammad Hossein Fallah	Associate Professor, Department of Consultation, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran
Saeed Vaziri	Assistant Professor, Department of Consultation, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran

Abstract

Regarding the role of social and cultural issues in men's psychosocial arousal to polygamy life, the present study aimed to determine the relationship between variables, traditional marriage, sexual needs, free living lifestyle, attachment, religious factors, the blaming of first wife, family facilitation, authority representation, financial ability and having two residences in psychosocial arousal for men's polygamy life. The present study is a descriptive co relational study. The statistical population consisted of men polygamous living in Saravan city in the year 2019. Among them, 246 people were selected by available sampling method using Cochran's formula. Data collection tools consisted of researcher made questionnaires of Predictive factors and men's psychosocial arousal to polygamy life (Esmaili et al, 2019). Data were analyzed by Pearson correlation, coefficient, Friedman test, variance analysis, multiple regressions and path analysis were used to test the hypotheses. The results showed that between variables traditional marriage ($P < 0/01$, $r = 0.236$), sexual needs ($P < 0/01$, $r = 0.291$), free living lifestyle ($P < 0/01$, $r = 0.462$), attachment ($P < 0/01$, $r = 0.228$), religious factors ($P < 0/01$, $r = 0.489$), the blaming of first wife ($P < 0/01$, $r = 0.268$), family facilitation ($P < 0/01$, $r = 0.485$), authority representation ($P < 0/01$, $r = 0.507$), Financial ability ($P < 0/01$, $r = 0.427$), having two residences ($P < 0/01$, $r = 0/433$) There was a significant relationship with male psychosocial arousal for polygamy life. Variables of free living lifestyle, family facilitation, financial ability and religious factors had the most influence on social psychosocial arousal. Therefore, psychologists and family counselors can identify the causes of men to polygamy life according to the findings of this study, and provide counseling to families.

Key words: *polygamy life, psychosocial arousal, remarriage, men*

Citation

Esmaili, Gh., Afshani, S.A., Fallah, M.H., & Vaziri, S. (2020). Predictive factors of men's psychosocial arousal to polygamy life. *Family Counseling and Psychotherapy*, 2, 233-254.

عوامل پیشگویی‌کننده برانگیختگی روانی اجتماعی مردان به زندگی چندهمسری

دریافت: ۱۳۹۸-۱۰-۰۲ پذیرش: ۱۳۹۸-۱۲-۱۲

قاسم اسمعیلی	دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران
سید علیرضا افشانی afshanalireza@yazd.ac.ir	دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)
محمدحسین فلاح	دانشیار، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران
سعید وزیری	استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران

چکیده

با توجه به نقش مسائل اجتماعی و فرهنگی در برانگیختگی روانی اجتماعی مردان به زندگی چندهمسری، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش متغیرهای ازدواج سنتی، غرایز جنسی، بسترهای آزاد تعاملی، دل‌بستگی، نمای مذهبی، مقصرانگاری همسر اول، تسهیلگری خانوادگی، نمایش اقتدار، توانایی مالی و دو اقامتگاهی در برانگیختگی روانی اجتماعی مردان به زندگی چندهمسری انجام شد. پژوهش حاضر، یک بررسی توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری دربرگیرنده مردان دارای چند همسر ساکن شهرستان سراوان در سال ۱۳۹۷ بود که با به‌کارگیری فرمول کوکران ۲۴۶ نفر به شکل نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده پرسشنامه‌های محقق ساخته عوامل پیشگویی‌کننده و برانگیختگی روانی اجتماعی مردان به زندگی چندهمسری (اسمعیلی و همکاران، ۱۳۹۸) بود. تحلیل داده‌های پژوهش با به‌کارگیری ضریب همبستگی پیرسون، آزمون فریدمن، رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر انجام گرفت. برآیندهای پژوهش نشان داد که بین متغیرهای ازدواج سنتی ($P < 0.01, r = 0.236$)، غرایز جنسی ($P < 0.01, r = 0.291$)، بسترهای آزاد تعاملی ($r = 0.462, P < 0.01$)، دل‌بستگی ($r = 0.289, P < 0.01$)، نمای مذهبی ($r = 0.489, P < 0.01$)، مقصرانگاری همسر اول ($r = 0.268, P < 0.01$)، تسهیلگری خانوادگی ($r = 0.485, P < 0.01$)، نمایش اقتدار ($r = 0.507, P < 0.01$)، توانایی مالی ($r = 0.427, P < 0.01$) و دو اقامتگاهی ($r = 0.433, P < 0.01$) با برانگیختگی روانی-اجتماعی مردان به زندگی چندهمسری همبستگی معنی‌داری وجود دارد. متغیرهای بسترهای آزاد تعاملی، تسهیلگری خانوادگی، توانایی مالی و نمای مذهبی درمجموع بیشترین تأثیر را بر برانگیختگی روانی اجتماعی برای زندگی چندهمسری را داشته‌اند. روان‌شناسان و مشاوران خانواده می‌توانند با توجه به یافته‌های این تحقیق از علل گرایش مردان به زندگی چندهمسری آگاهی یافته و با توجه به آن نسبت به مشاوره خانواده‌ها اقدام نمایند.

واژگان کلیدی: زندگی چندهمسری، برانگیختگی روانی اجتماعی، ازدواج مجدد، مردان

اسمعیلی، قاسم؛ افشانی، سید علیرضا؛ فلاح، محمدحسین و وزیری، سعید. (۱۳۹۸). عوامل پیشگویی‌کننده

برانگیختگی روانی اجتماعی مردان به زندگی چندهمسری. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۲.

۲۵۴-۲۳۳

ارجاع

مقدمه

خانواده اساسی‌ترین واحد اجتماعی است. این واحد مبدأ بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه روابط و تعاملات بین فردی است. اساس و بنیان خانواده مبتنی بر یک سری قواعد و نقش‌هایی است که هر خانواده به طریق و سبک خاص خود آن را انجام می‌دهد. قسمتی از این قواعد و نقش‌ها را زوج‌ها از خانواده‌ی اصلی به خانواده جدید وارد می‌کنند و بخش دیگر آن با کمک هم یا با تحمیل یک فرد در خانواده اعمال می‌شود (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ترجمه شاهی برواتی، نقش‌بندی و ارجمند، ۱۳۹۶). تصور ما از خانواده که از یک شوهر، همسر و فرزندان تشکیل می‌شود، با توجه به ساختار خانواده در سراسر تاریخ بشری تصور چندان درستی نیست، نکته قابل توجه این است که ساختار خانواده از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متنوع است (کوئن، ترجمه ثلاثی، ۱۳۹۶). هر تغییری در خانواده مصادف با تغییراتی در عملکرد خانواده است، به عبارتی رفتار اعضای خانواده تابعی از رفتار سایر اعضا است و از آنجاکه خانواده مایل به تعادل است، هرگونه انحراف از قواعد آن توسط هر یک از اعضا، مقابله دیگر اعضا را در پی خواهد داشت و اگر تقاضای تغییر خانواده امری ناگهانی یا فراتر از آستانه تحمل آن باشد، احتمالاً با پاسخ سخت و نامناسب روبرو خواهد شد (ابراهیمی، ۱۳۸۶).

روزبه‌روز بر تنوع فرهنگی زندگی بشر افزوده می‌شود و خانواده درمانگرها خود را از خانواده به حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی بزرگ‌تری که بر رفتار تأثیر می‌گذارند، معطوف ساخته‌اند. قومیت، ملاحظات اجتماعی و اقتصادی بر سبک زندگی خانواده تأثیر دارند. قومیت می‌تواند مشخص کند که خانواده چگونه ارزش‌ها، الگوهای رفتاری و شیوه‌های ابراز هیجان را به وجود می‌آورد و روند پیشرفت در چرخه زندگی خانوادگی به چه صورتی است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ترجمه شاهی برواتی و همکاران، ۱۳۹۶). برخی از مردان قوم بلوچ که مسلمان و اهل تسنن بوده با القاء اینکه اسلام تا چهار زن را طبق نص صریح قرآن در سوره نساء امر نموده است و علماء با ترویج این طرز تفکر در بین عامه مردم، آنان را تشویق به چند همسرگزینی می‌نمایند (طوقی، ۱۳۷۹). گرچه چند زنی در این منطقه به دلیل سابقه تاریخی و عرف اجتماعی مورد تشویق علمای مذهبی است، شیوع این سنت فرهنگی در گذشته بی‌ارتباط با سنت‌های خاص ازدواج در این منطقه نبوده است، زیرا نخستین ازدواج مردان بلوچ از سنین پایین آغاز می‌شده و فاصله سنی میان زوجین بسیار زیاد بوده و گزینش زن اول طبق سنت از اختیارات قطعی والدین محسوب می‌شده است (علی‌نقیان و روستاخیز، ۱۳۹۷).

چندهمسری به‌طور مختصر به‌عنوان شکلی از ازدواج مطرح است که در آن فرد به‌طور هم‌زمان بیش از یک همسر دارد. از لحاظ تاریخی، چندهمسری به‌صورت چند زنی و چند شوهری اجرا شده است که در چند زنی، مرد بیش از یک زن داشته و در چند شوهری، زن بیش از یک شوهر اختیار می‌کند، در مقابل در شکل تک‌همسری، فرد در یک‌زمان فقط یک همسر دارد (Al-Krenawi, 2016). چندهمسری یکی از

موضوعات اجتماعی و فرهنگی است که در طول تاریخ به جوامع و سرزمین‌های مختلف وابسته بوده است. اگر به گذشته نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که چندهمسری وجود داشته است اما شکل آن در جوامع متفاوت بوده است (Esmaili, Sedrposhan and Gorji, 2012). چند زنی که برخلاف چند شوهری رواج و موفقیت بیشتری داشته نه تنها در میان قبایل وحشی مرسوم بوده بلکه برخی از ملل متمدن نیز آن را پذیرفته‌اند. گذشته از عرب جاهلیت در میان قوم یهود و ملت ایران در زمان ساسانیان و بعضی ملل دیگر این رسم و قانون وجود داشته است. دین مبین اسلام چند زنی را به کلی نسخ و لغو نکرده، بلکه با توجه به نیاز و مصالح مردم، آن را در حد معقول و محدود تجویز کرده است. اسلام نه تنها چندهمسری را اختراع نکرده، بلکه آن را از طرفی محدود ساخت و برای آن حداکثر قائل شده که چهار تا است و از طرفی برای آن قیود و شرایطی قرار داده و به هر کس اجازه نداده که همسران متعدد انتخاب کند (مطهری، ۱۳۹۶). در باب جواز چندهمسری به آیه سوم سوره نساء^۱ استناد می‌شود، نزول این آیه ازدواج داشتن هم‌زمان بیش از چهار زن را ممنوع اعلام کرده است و شرط آن را رعایت عدالت بین همسران عنوان نموده است: «اگر می‌ترسید نتوانید بین چند همسر به عدالت رفتار کنید، تنها به یک زن اکتفا کنید و نه بیشتر» (طوقی، ۱۳۷۹). این آیه که چندهمسری را تشریح و تجویز می‌کند در حکم یک قانونی است که دارای شرایطی است و مادامی که آن شرایط موجود نباشد قانون مذکور قابل اجرا نیست، یعنی آن کسی می‌تواند بیش از یک همسر داشته باشد که علاوه بر توانایی جسمی و مالی، از نظر عاطفه و محبت و اخلاق اداره امور زندگی یک انسان عادل و آگاه بوده و در مسائل مختلف حقوق خانواده از اعمال تبعیض بین همسران اجتناب کند (بابا زاده، ۱۳۷۵).

تلاش برای درک علل رفتارهای خاص انسان، موجب ارائه نظریه‌ای تحت عنوان انگیزش شده است. رفتارهای انسان به‌استثنای برخی بازتاب‌های ساده به "انگیزه"^۲ بستگی دارد. به عبارت دیگر، ظهور رفتار انسان تنها به وجود محرک و متغیرهای ژنتیک وابسته نیست، بلکه شدت و فرکانس متغیرهای مداخله‌گر درون ارگانیزمی (درون انسان) در پدیدآیی رفتارهای انگیزشی سهم بسزایی دارد. فرایندهای انگیزشی جهت شدت رفتارهای هدفمند را تعیین می‌کنند و افراد این فرایندها را در ذهن خود به صورت امیال آگاهانه تجربه می‌کنند. تمایل به انجام کار در گروهی توانایی فرد است تا بر این اساس نوعی نیاز تأمین گردد. می‌توان انگیزش را برحسب رفتار عملی تعریف کرد. کسانی که تحریک شوند نسبت به کسانی که تحریک نشوند تلاش بیش‌تری می‌نمایند (پی رابینز، ترجمه پارساییان و اعرابی، ۱۳۸۶). انگیزه‌ها، تجربیات درونی هستند، مانند نیازها، شناخت‌ها و هیجان‌ها که گرایش‌های نزدیکی و دوری فرد را نیرومند می‌سازند. نیروهای بیرونی

۱- «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْبَيْتِ مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعْوُوا.»

شامل، مشوق‌های محیطی هستند که فرد را برای انجام دادن یا انجام ندادن عملی خاص، جذب یا دفع می‌کنند. (مارشال ریو، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۵).

برانگیختگی روانی اجتماعی مردان به زندگی چندهمسری را می‌توان بر اساس نگاهی جامعه‌شناختی به روابط جنسی میان زن و مرد در جوامع گوناگون بشری دانست که تقریباً در همه جوامع انسانی به سنت و روشی متداول میان انسان‌ها وجود دارد و ازدواج را یگانه راه مشروعیت دادن به روابط جنسی میان زن و مرد می‌دانند و روابط جنسی خارج از این چارچوب در هر جامعه‌ای، نامشروع تلقی می‌شود که ممکن است قُبُح و زشتی این روابط نیز در جوامع، متفاوت باشد. دومین شاهد بر این ادعا مبحث روان‌شناسان است که بر اساس واقعیات علمی محسوس و غیرقابل‌انکار، مدعی‌اند که زن و مرد دو جنس متفاوت می‌باشند. دنیای امروز نیز برخی از قوانین متفاوت در مورد زن و مرد را که به تفاوت‌های آشکار جسمی آنان بازمی‌گردد، پذیرفته است. تعداد زنان پایبند به نظام تک‌همسری (به‌ویژه در جوامع منضبط و اخلاقی) بسیار بیش از مردان است. دلیل این پایبندی، رجحان اخلاقی زنان نسبت به مردان نیست، بلکه به دلیل تفاوت طبیعی و فطری این دو جنس در غریزه جنسی و کشش بیشتر این غریزه در مردان است. این واقعیت تلخ و غیرقابل‌انکار این حقیقت را آشکار می‌کند که این دو جنس در مسائل جنسی از شرایط یکسان برخوردار نیستند تا قانونی یکسان برای آنان وضع شود، نیاز آنان به یک اندازه نیست تا مانند هم نیازشان برآورده شود (امامی، ۱۳۹۲).

اکبری قوام‌آبادی (۱۳۹۵) در تحقیق خود با عنوان انگیزه‌ها و شیوه مدیریت چندهمسری در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) بیان نمود که در جوامع غیرمتمدن چندهمسری با انگیزه‌های متعددی همچون، انگیزه‌های جمعیتی، جنسی، سیاسی، اقتصادی و دینی شکل می‌گیرد. حسین زایی (۱۳۹۵) سن، میزان تحصیلات، میزان درآمد، رضایت از زندگی، سیاست‌های جمعیتی، فزونی قوه جنسی در مردان و نازایی یا عقیم بودن زن اول را عوامل چندهمسری بیان نمود. محمدی و آسکانی (۱۳۹۴) بیان داشتند که شیوه‌های مختلف ازدواج و زناشویی در هر یک از مناطق متأثر از باورهای قومی و مذهبی شکل گرفته است و چند زنی به‌منزله سنتی فرهنگی در شرایطی ساختار غالب خانواده را تشکیل می‌دهد که نشانه‌هایی از تجددگرایی نیز هم‌زمان در حال شکل‌گیری است. امامی (۱۳۹۲) مهم‌ترین عامل تشریح چندهمسری را تفاوت غریزه جنسی میان زن و مرد، تحریک‌پذیری و قدرت بیشتر آن در مردان دانسته است. رضازاده (۱۳۸۷) متغیرهای مؤثر بر چند همسرگزینی مردان را میزان تحصیلات مرد، نوع شغل مرد، تحمیلی بودن ازدواج با همسر اول، نارضایتی مرد از خانواده زن اول خود، علاقه مرد بر چند همسرگزینی، نازا بودن زن اول، دخترزا بودن زن اول و بیماری زنان برشمرد. ناستی زایی (۱۳۸۵) ثروتمند بودن مردان، عادی بودن چندهمسری، مشکلات جسمانی و رفتاری زنان، الگو قرار دادن پیامبر و کاهش فساد اخلاقی را در چندهمسری مؤثر دانستند.

نرگسی (۱۳۸۴) در پژوهش خود تحت عنوان «بازتاب چندهمسری در جامعه» از جمله عوامل دخیل در چندهمسری مردان را: علل فردی (عدم تهذیب نفس و خویشن‌داری)، مقابله با طلاق و جدایی، دوری از همسر و جلوگیری از فساد اخلاقی، ازدواج ناخواسته مرد با زن اول، وجود رویه چندهمسری در فامیل یا اقوام، ازدواج موقت مرد، به رخ کشیدن پایگاه اجتماعی خود به دیگران، نیاز به نیروی کار، کاهش رعایت چارچوب‌ها در روابط زن و مرد، عادی‌سازی چندهمسری در رسانه ملی، برشمرد.

اسمعیلی، افشانی، فلاح و وزیر (۱۳۹۸) در پژوهش خود تحت عنوان کاوشی کیفی از علل و زمینه‌های شکل‌گیری چندهمسری مردان به این نتیجه دست یافتند که ازدواج سنتی و غرایز جنسی به‌عنوان شرایط علی، مقصرانگاری همسر اول، نمای مذهبی، دو اقامتگاهی و تسهیلگری خانوادگی به‌عنوان شرایط مداخله‌گر، نمایش اقتدار، بسترهای آزاد تعاملی، دل‌بستگی و توانایی مالی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای باعث بروز پدیده برانگیختگی روانی اجتماعی مردان خواهد شد که درنهایت، مردان با استفاده از استراتژی «گذار پُر‌گداز عینی و ذهنی از همسر اول» اقدام به چندهمسری می‌کنند.

نصیری (۱۳۹۷) در تحقیق خود با عنوان نقش چندهمسری در سبک زندگی اجتماعی اسلامی، این‌گونه نتیجه‌گیری نمودند که اگر به چندهمسری به‌عنوان یک حکم مطلوب الهی نگریسته و از قبح آن کاسته شود، می‌تواند نقش‌های مثبت زیادی در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان ایجاد کند که از آن جمله است: ۱- کاهش آسیب‌های اجتماعی مانند فساد، فحشا، اعتیاد و فرار از خانه که در کمین زنان مطلقه، بیوه و سرپرست خانوار قرار دارد و همچنین برای فرزندان که بر اثر عواملی مانند طلاق، مرگ‌ومیر والدین و یا پدیده جنگ و شهادت، از محیط گرم خانواده دور شده خانواده‌ای کامل به وجود آورد ۲- افزایش جمعیت که نشانه اقتدار هر جامعه‌ای است و در روایات، بر افزایش جمعیت مسلمانان تأکید شده است ۳- ایجاد جامعه‌ای سالم با ضریب امنیت روانی بالا به‌وسیله تحکیم بنیان خانواده البته به شرط رعایت عدالت و مدیریت صحیح فرد و جامعه فی‌الجمله هدف این پژوهش این بوده است که به این نتیجه برسد که چندهمسری می‌تواند نقشی مثبت در سبک زندگی اجتماعی - اسلامی ایفا نماید.

بر اساس نتایج پژوهش علی‌نقیان و روستاخیز (۱۳۹۷) تحت عنوان «فهم پدیدار شناختی چندهمسری در میان بلوچ‌های ساکن شهرستان چابهار» چندهمسری یا به عبارتی چند زنی در بلوچستان امری کاملاً پذیرفته‌شده و جاافتاده است، چراکه در بسیاری موارد تعداد فرزندان و در نتیجه قدرت اجتماعی و اقتصادی خانواده، تیره و نهایتاً طایفه را افزایش می‌دهد. این امر را باید در برابر موقعیت زنان بلوچ در سلسله‌مراتب اجتماعی و اقتصادی، وابستگی مالی آن‌ها، عدم‌حمایت حقوقی از طلاق و جدایی زن و فقدان پشتیبانی‌های اجتماعی قرار داد. به‌علاوه گستردگی این الگوی خانوادگی بیشتر از آنکه ناشی از سن و سال و یا میزان ثروتمندی مردان باشد، زمینه و ریشه‌های فرهنگی دارد و آن را نمی‌توان به یک تیره یا طایفه یا طبقه اجتماعی خاص محدود دانست و اینکه تصمیم به چندهمسری عموماً تصمیمی یک‌طرفه و از طرف مردان

است، اما زنان نیز در این میدان عاملانی صرفاً منفعل و پذیرا نیستند، چراکه استراتژی‌های مبتنی بر جبران و انتقام مراتبی از کنش ورزی را به آن‌ها عطا کرده تا در برابر این ساختار خانوادگی به مقاومت خاموش و غیررسمی دست زنند.

تقی‌زاده و حمیدی سوها (۱۳۹۶) در تحقیق خود تحت عنوان «آسیب‌شناسی مسئله تعدد زوجات در حقوق و رویه قضایی ایران» علل درخواست ازدواج مجدد برای اخذ اجازه از دادگاه از سوی زوج را نداشتن فرزند ذکور ۷/۱۴ درصد، سوء رفتار زوجه ۷/۱۴ درصد، عسر و حرج با ۷/۱۴ درصد، تمکن مالی زوج با ۱۴/۲۸ درصد، رضایت زوجه، ۱۴/۲۸ درصد، عدم تمکن زوجه با ۵۰ درصد اعلام نموده‌اند.

Reynos (2019) تئوری جدیدی از تعدد زوجات ارائه نموده است که مفهوم اصلی و جدید آن این است که خانواده‌های چندهمسری نابرابری زیادی در بین همسران نشان می‌دهند و در آن بیان نموده است که خانواده‌های چندهمسری به‌عنوان خانواده‌های مشترک هستند که در آن همسران مکمل یکدیگر بوده و در سلسله‌مراتبی از همسران بزرگ‌تر عمل می‌کنند. زنان با مهارت بالا در خانواده‌های چندهمسری با مردهای ثروتمند و خردسال بی‌تجربه ازدواج می‌کنند.

یافته‌های İbiloğlu, Atl, Özkan (2018) حاکی از آن است که چندهمسری یک پدیده پیچیده با ریشه‌های عمیق فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که با علائم بهداشت روانی کودک، همسر و شوهر همراه است. نتایج آن‌ها نشان داده است که چندهمسری با خطر ابتلا به اختلالات روانی در میان همه اعضای خانواده، بدون در نظر گرفتن سطح تحصیلات، وضعیت اجتماعی، اقتصادی خانواده و ترکیب خانوار همراه است.

استدلال Maalim Hussein (2016) از نتایج تحقیق خود این بوده است که در برخی از جوامع، به‌ویژه در مناطق روستایی، چندهمسری به زنان شاغلی که ممکن است مجبور به کار شوند و بعد به خانه بروند و از فرزندان یا شوهر خود مراقبت کنند، کمک می‌کند. از طرف دیگر، چندهمسری در جامعه مدرن ممنوع است، زیرا چندهمسری بر خانواده و جامعه تأثیر منفی می‌گذارد، به‌ویژه که بین همسران درگیری ایجاد می‌کند. در بعضی موارد، نیز چندهمسری جایز است تا فرصتی برای زن مسنی که ازدواج نکرده است فراهم شود. وی به این نتیجه رسیده است که چندهمسری در اسلام ناعادلانه و مغرضانه نیست، اما سوء تفاهم در آن وجود دارد.

Thobejane & Flora (2014) در تحقیق خود تحت عنوان «اکتشاف ازدواج چندهمسری، یک دیدگاه جهانی» دریافته‌اند که در بیش از ۷۰ درصد جوامع شناخته‌شده چندهمسری وجود دارد و در اکثریت خانواده‌های چندهمسری ساختار خانواده از نوع مردسالاری بوده است که نقش مهمی در چندهمسری مرد و به وجود آمدن خانواده چندهمسری در آن جامعه ایفا می‌کند و همچنین اعلام داشتند که نوع فرهنگ و

عقاید افراد در تصمیم‌گیری برای سبک زندگی چندهمسری دخالت داشته است و نوع فرهنگ و عقاید افراد جامعه باعث ماندگاری این رسم یعنی چندهمسری مردان شده است.

Croix & Mariani (2015) در پژوهشی با عنوان «از چندهمسری به تک‌همسری: یک نظریه واحد از نهاد ازدواج» بیان نمودند که شکل ازدواج در طول زمان تغییر کرده است و در حال تحول از چندهمسری به تک‌همسری و سپس به چندهمسری (طلاق و ازدواج مجدد) تغییر نموده است که روند تغییر بستگی به وضعیت اقتصادی یک جامعه و افزایش سهم مردان ثروتمند دارد.

James (2013) در تحقیقی با عنوان «چندهمسری در آفریقا: گذشته و حال» و با هدف بررسی چندهمسری آفریقایی: از گذشته تا حال، برای رسیدن به طراحی یک مدل، ۹ فرضیه خود را با استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده از روش مطالعه موردی، مورد آزمون قرار داد که نتایج آن به این شرح می‌باشند: ۱- چندهمسری در آن بخش‌هایی از آفریقا که زنان در طول تاریخ بشر در بخش کشاورزی کار می‌کردند بیش‌تر مهم بوده است. ۲- نابرابری پیش‌بینی‌کننده چندهمسری امروزه نیست گرچه در مطالعات دیگر این نابرابری‌ها تبیین‌کننده چندهمسری بوده است. ۳- با توجه به اینکه نتایج تحقیقات دیگر در مورد تجارت برده پیش‌بینی‌کننده چندهمسری بوده است با این حال نتیجه بستگی به گسترش مطالعات در مناطق مختلف آفریقا دارد. ۴- تحصیل زنان در دهه اخیر نرخ چندهمسری را کاهش داده است. ۵- افت نامطلوب اقتصادی در زمان ازدواج (دختران و زنان) به احتمال زیاد آن‌ها به ازدواج با یک مرد چند زنه موافقت کنند. ۶- سیل و جنگ که در سطح ملی عمل می‌کنند باعث افزایش شیوع چندهمسری می‌شوند. ۷- ممنوعیت ملی و دیگر تلاش‌های سطح کشور در کاهش چندهمسری به جزء چند مورد استثناء نقشی نداشته‌اند. ۸- مرگ و میر کودکان در کاهش چندهمسری در چند کشور آفریقای تأثیرگذار بوده است.

جدال بین دو گروه از دانشمندان، محققین و علماء و صاحب‌نظران در زمینه چندهمسری مردان که گروه اول موافق با زندگی چندهمسری و گروه دوم مخالف با آن هستند که هر دو گروه دلایل خاص خود را مطرح می‌نمایند، البته دلایل هر دو گروه دلایلی وابسته به عقاید، دین، مذهب، ساخت اجتماعی و فرهنگی دارند، از این رو محقق با توجه به افزایش تعداد خانواده‌های چند همسر در سال‌های اخیر شهرستان سراوان و زندگی در بطن جامعه چندهمسری که شاهد و نظاره‌گر آسیب‌ها و پیامدهای خانواده‌های چندهمسری بوده است و همچنین مراجعه مردان متأهل برانگیخته به چند زنی جهت راهنمایی و مشاوره نزد محقق، تصمیم بر آن گرفته که این موضوع را به‌طور عمیق موردبررسی قرار داده تا بر اساس نتایج آن خدمتی در جهت راهنمایی و مشورت صحیح و درست با توجه به علل گرایش مردان صورت بگیرد و راهکار و تصمیمی با کمترین آسیب در این خصوص اتخاذ شود. محقق در قالب یک پژوهش کیفی تحت عنوان کاوشی کیفی از علل و زمینه‌های شکل‌گیری چندهمسری مردان توانسته است، متغیرهای ازدواج سنتی، غرایز جنسی، مقصرانگاری همسر اول، نمای مذهبی، دو اقامتگاهی، تسهیلگری خانوادگی، نمایش اقتدار، بسترهای

آزادتعاملی، دل‌بستگی و توانایی مالی را در برانگیختگی روانی اجتماعی مردان برای زندگی چندهمسری کشف نماید (اسمعیلی و دیگران، ۱۳۹۸). اکنون در این مطالعه کمی، تصمیم گرفته شده است که میزان تبیین این متغیرها و قابلیت تعمیم آن‌ها در جامعه را مورد بررسی قرار دهد.

بر این اساس سؤال پژوهش عبارت است: آیا متغیرهای ازدواج سنتی، گرایش جنسی، بسترهای آزاد تعاملی، دل‌بستگی، نمای مذهبی، مقصرانگاری همسر اول، تسهیلگری خانوادگی، نمایش اقتدار، توانایی مالی و دو اقامتگاهی با برانگیختگی روانی اجتماعی مردان به زندگی چندهمسری رابطه دارند؟

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و به لحاظ اجرا از نوع پیمایشی بود. در این پژوهش متغیرهای ازدواج سنتی، گرایش جنسی، بسترهای آزاد تعاملی، دل‌بستگی، نمای مذهبی، مقصرانگاری همسر اول، تسهیلگری خانوادگی، نمایش اقتدار، توانایی مالی و دو اقامتگاهی به عنوان عوامل پیشگوی کننده و برانگیختگی روانی اجتماعی به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شده است. جامعه آماری شامل کلیه مردان چند همسر (۲ تا ۴ همسر عقد دائم) که تمایل به همکاری در پژوهش را داشته و ساکن محدوده شهرستان سراوان در سال ۱۳۹۷ بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۲۴۶ نفر (۱۹۳ مرد دو همسر، ۳۲ مرد سه همسر و ۲۳ مرد دارای چهار همسر) تعیین شده که به صورت نمونه‌گیری در دسترس از میان مردان چند همسر انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌ها از روش آماری ضریب همبستگی پیرسون و برای مقایسه تأثیر عوامل مختلف در برانگیختگی روانی اجتماعی فرد برای زندگی چندهمسری از آزمون فریدمن استفاده شد. با استفاده از رگرسیون چندگانه تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته و به منظور تعیین چگونگی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در این پژوهش، از تحلیل مسیر استفاده شد. داده‌ها در زمستان ۱۳۹۷ جمع‌آوری شد. شرط ورود به مطالعه، مرد بودن، داشتن بیش از یک همسر و تمایل به همکاری با تیم پژوهش بود و نداشتن هر یک از شرایط مزبور، ملاک خروج بوده است.

ابزار

در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات از ابزارهای اندازه‌گیری محقق ساخته استفاده شده است. لازم به توضیح و یادآوری است که محقق سؤالات آن را بر اساس مضامین و عبارت‌های خاص به دست آمده از ۱۷ مرد چند همسر ساکن شهرستان سراوان در یک پژوهش کیفی مربوط به علل و زمینه‌های شکل‌گیری چندهمسری مردان و متغیرهای تأثیرگذار (عبارت‌های مضمونی استخراج شده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته) بعد از تعیین قابلیت اطمینان داده‌ها به دست آورده است (اسمعیلی و همکاران، ۱۳۹۸). پژوهش حاضر با هدف آزمون نتایج تحقیق کیفی و تعمیم به جامعه صورت گرفته است.

پرسشنامه عوامل پیشگویی کننده برای برانگیختگی روانی اجتماعی مردان به زندگی چندهمسری: این پرسشنامه محقق ساخته بوده است و برای اندازه گیری عوامل پیشگویی کننده برای برانگیختگی روانی اجتماعی مردان به زندگی چندهمسری تدوین شده است که شامل ۵۷ سؤال است که سؤالات ۱ تا ۵ بُعد ازدواج سنتی، سؤالات ۶ تا ۹ بُعد غرایز جنسی، سؤالات ۱۰ تا ۱۳ بُعد بسترهای آزاد تعاملی، سؤالات ۱۴ تا بُعد دل بستگی، سؤالات ۱۸ تا ۲۴ بُعد نمای مذهبی، سؤالات ۲۵ تا ۳۲ بُعد مقصر انگاری همسر، سؤالات ۳۳ تا ۴۵ بُعد تسهیل گری خانوادگی، سؤالات ۴۶ تا ۵۱ بُعد نمایش اقتدار، سؤالات ۵۲ تا ۵۴ بُعد توانایی مالی و سؤالات ۵۵ تا ۵۷ بُعد دو اقامتگاهی را برای برانگیختگی روانی اجتماعی مردان به زندگی چندهمسری، ارزیابی می کنند. در پاسخ به سؤالات پرسشنامه از طیف لیکرت استفاده شده است. پس از تأیید ابزار توسط اساتید راهنما و مشاور و چند نفر از متخصصین جامعه محلی، اعتبار ابزار به صورت صوری محرز گردید. برای بررسی پایایی ابزار، از روش محاسبه آلفای کرونباخ برای بررسی همسانی درونی عبارت‌ها استفاده که آلفای همه سازه‌ها بالاتر از ۰/۷ بود که نشان دهنده پایایی مطلوب ابزار مزبور بود. پرسشنامه مذکور بر روی ۲۴۶ نفر از میان مردان چند همسر در شهرستان سراوان که به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند، جهت تعیین پایایی و تعمیم نتایج اجرا گردید.

پرسشنامه برانگیختگی روانی اجتماعی مردان به زندگی چندهمسری: این پرسشنامه محقق ساخته بوده است و برای اندازه گیری برانگیختگی روانی اجتماعی مردان به زندگی چندهمسری ساخته شده است که شامل ۱۵ سؤال است که بُعد برانگیختگی روانی اجتماعی مردان برای زندگی چندهمسری را ارزیابی می کند. در پاسخ به سؤالات پرسشنامه از طیف لیکرت استفاده شده است. پس از تأیید ابزار توسط اساتید راهنما و مشاور و چند نفر از متخصصین جامعه محلی، اعتبار ابزار به صورت صوری محرز گردید. برای بررسی پایایی ابزار، از روش محاسبه آلفای کرونباخ برای بررسی همسانی درونی عبارت‌ها استفاده که آلفای همه سازه‌ها بالاتر از ۰/۷ بود که نشان دهنده پایایی مطلوب ابزار مزبور بود. پرسشنامه مذکور بر روی ۲۴۶ نفر از میان مردان چند همسر در شهرستان سراوان که به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند، جهت تعیین پایایی و تعمیم نتایج اجرا گردید.

شیوه اجرای پژوهش

این پژوهش در زمستان سال ۱۳۹۷ در شهر سراوان به روش نمونه گیری در دسترس و با ارائه پرسشنامه‌های موردنظر به شرکت کنندگان انجام شد و بعد از جمع آوری داده‌ها و ورود آن‌ها به نرم افزار SPSS، با استفاده از تحلیل همبستگی، رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به همین منظور مراحل زیر طی شد: الف) تدوین پرسشنامه بر اساس نتایج تحقیق کیفی قبلی (اسمعیلی و همکاران، ۱۳۹۸)،

ب) تعیین روایی و پایایی ابزار ج) تعیین حجم نمونه و مراجعه به نمونه‌ها و اخذ رضایت از آن‌ها برای همکاری در پژوهش د) تکمیل پرسشنامه و ورود داده‌ها به نرم‌افزار SPSS ه) تحلیل و نتیجه‌گیری

اخلاق پژوهش

به‌منظور رعایت اخلاق پژوهشی، در زمان توزیع پرسشنامه به تمام شرکت‌کنندگان اطلاع داده شد که در یک کار پژوهشی شرکت دارند و شرکت در آن اختیاری است و اطلاعات آن‌ها کاملاً محرمانه خواهد ماند و بدون ذکر نام به سؤالات پاسخ دهند و برای هر پرسشنامه یک کد در نظر گرفته شد و یافته‌ها با پنهان ماندن هویت شرکت‌کنندگان تحلیل شد.

یافته‌ها

در ابتدا مشخصات جمعیت شناختی نمونه تحقیق ارائه شده است. در جدول (۱) آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق ارائه شده است و به‌منظور بررسی وجود ارتباط و نیز میزان آن در میان متغیرها از آزمون همبستگی استفاده شد. به دلیل اینکه در این پژوهش متغیرها نرمال هستند، از آزمون همبستگی پیرسون که نتایج مختص به آن در جدول (۲) منعکس شده است. مقادیر منعکس شده و ضرایب آن نشان‌دهنده معناداری همبستگی و وجود رابطه معنادار میان همه متغیرهای پیش‌بین و ملاک با یکدیگر در سطح ۰/۹۹ است. به‌منظور مقایسه میزان تأثیر متغیرهای مختلف بر متغیر برانگیختگی روانی اجتماعی مردان به زندگی چندهمسری از آزمون فریدمن استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۳) منعکس شده است و به‌منظور تعیین میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از رگرسیون چندگانه استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۴) مورد نمایش قرار گرفته و به‌منظور تعیین تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از تحلیل مسیر استفاده شده است که نتایج آن در شکل (۱) و جدول (۵) منعکس شده است.

حداقل و حداکثر سن به ترتیب ۲۱ و ۵۹ سال بوده است. میانگین سن آن‌ها ۳۳/۳۵ سال با انحراف معیار ۷/۲۵۲ است. میانگین تعداد سال‌های سپری شده از ازدواج ۹/۸۸ سال با انحراف معیار ۶/۹۰۷ است. حداقل و حداکثر تعداد فرزند به ترتیب صفر و ۷ بوده است. میانگین تعداد فرزند آن‌ها ۲/۴۹ با انحراف معیار ۱/۷۴۲ است. محل تولد ۴۸/۸ درصد از پاسخگویان تحقیق شهر و ۵۱/۲ درصد در روستا بوده است. تحصیلات ۲/۴ درصد از پاسخگویان در حد ابتدایی، ۴/۹ درصد در حد راهنمایی و سیکل، ۲۴/۸ درصد دبیرستان و دیپلم، ۲۹/۷ درصد فوق‌دیپلم، ۳۵/۴ درصد لیسانس و ۲/۸ درصد نیز در حد فوق‌لیسانس بوده است. نسبت فامیلی ۱۷/۱ درصد از همسران پاسخگویان با آن‌ها از نوع دخترعمو، ۱۸/۳ درصد دخترخاله، ۱۷/۹ درصد دخترعمه، ۱۰/۶ درصد دختردایی، ۲۹/۳ درصد خویشاوند دور و ۶/۹ درصد نیز غیر خویشاوند بوده است. وضعیت مسکن ۱/۶ درصد از پاسخگویان سازمانی، ۱۲/۲ درصد رهنی و اجاره‌ای و ۸۶/۲ درصد نیز از نوع شخصی بوده است. حداقل و حداکثر میزان درآمد به ترتیب صفر و ده میلیون تومان بوده است. میانگین

درآمد ماهیانه آن‌ها دو میلیون و سیصد و هفتاد و چهار هزار تومان است. منزلت شغلی ۵۴/۹ درصد از پاسخگویان در سطح بسیار پایین، ۴۳/۱ درصد در حد پایین و تنها ۲/۰ درصد در حد متوسط بوده است. ضمن اینکه هیچ‌کدام از پاسخگویان دارای منزلت شغلی بالا یا بسیار بالا نبودند.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
ازدواج سنتی	۲/۴۰	۵	۳/۶۹	۰/۵۳
غرایز جنسی	۲	۵	۳/۸۰	۰/۶۲
بسترهای آزاد تعاملی	۱/۵	۵	۳/۳۸	۰/۸۲
دل‌بستگی	۱/۵	۵	۳/۵۸	۰/۷۱
نمای مذهبی	۱/۵۷	۵	۳/۴۴	۰/۶۸
مقصرانگاری همسر	۱/۸۸	۵	۳/۷۴	۰/۵۷
تسهیلگری خانوادگی	۱/۶۷	۴/۶۹	۳/۴۳	۰/۶۴
نمایش اقتدار	۱/۶۷	۴/۸۳	۳/۵۲	۰/۷۰
نمایش توانایی مالی	۱/۳۳	۵	۳/۷۲	۰/۸۲
دو اقامتگاهی	۱/۲۵	۵	۳/۵۹	۰/۸۵
برانگیختگی روانی اجتماعی	۱/۲۰	۴/۸۷	۳/۰۰	۰/۹۹

جدول (۱) نشان می‌دهد که بین متغیرهای مختلف تحقیق، غرایز جنسی دارای بالاترین میانگین (۳/۸۰) و برانگیختگی روانی اجتماعی دارای پایین‌ترین میانگین (۳) بوده‌اند.

جدول ۲. خروجی ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون رابطه متغیرهای مختلف با برانگیختگی روانی اجتماعی

متغیر	متغیر	ضریب پیرسون	سطح معنی داری
ازدواج سنتی	برانگیختگی روانی اجتماعی	۰/۲۳۶	۰/۰۰۱
غرایز جنسی	برانگیختگی روانی اجتماعی	۰/۲۹۱	۰/۰۰۱
بسترهای آزاد تعاملی	برانگیختگی روانی اجتماعی	۰/۴۶۲	۰/۰۰۱
دل‌بستگی	برانگیختگی روانی اجتماعی	۰/۲۸۹	۰/۰۰۱
نمای مذهبی	برانگیختگی روانی اجتماعی	۰/۴۸۹	۰/۰۰۱
مقصرانگاری همسر	برانگیختگی روانی اجتماعی	۰/۲۶۸	۰/۰۰۱
تسهیلگری خانوادگی	برانگیختگی روانی اجتماعی	۰/۴۸۵	۰/۰۰۱
نمایش اقتدار	برانگیختگی روانی اجتماعی	۰/۵۰۷	۰/۰۰۱
توانایی مالی	برانگیختگی روانی اجتماعی	۰/۴۲۷	۰/۰۰۱
دو اقامتگاهی	برانگیختگی روانی اجتماعی	۰/۴۳۳	۰/۰۰۱

همان‌گونه که در جدول (۲) ملاحظه می‌شود بین متغیرهای مستقل و برانگیختگی روانی اجتماعی فرد برای ازدواج مجدد، رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد ($P < ۰/۰۰۱$). به عبارتی هر چه تأثیر متغیرهای

مستقل بیشتر باشد، به احتمال بیشتری متغیر وابسته یا همان برانگیختگی روانی اجتماعی مردان بیشتر خواهد بود.

جدول ۳. خروجی آزمون فریدمن برای مقایسه تأثیر عوامل مختلف در برانگیختگی روانی اجتماعی مردان برای زندگی چندهمسری

عوامل مؤثر	میانگین رتبه
ازدواج سنتی	۵/۹۴
غرایز جنسی	۶/۴۹
بسترهای آزاد تعاملی	۴/۵۵
دل بستگی	۵/۳۹
نمای مذهبی	۴/۶۵
مقصرانگاری همسر	۶/۲۳
تسهیلگری خانوادگی	۴/۷۵
نمایش اقتدار	۵/۱۱
توانایی مالی	۶/۲۲
دو اقامتگاهی	۵/۶۷

Chi-Square= ۱۲۵/۵۱۶ df = ۹ (P < ۰/۰۰۱)

اطلاعات جدول (۳) بیانگر این است که بین عوامل مختلف، از نظر تأثیر بر برانگیختگی روانی اجتماعی مردان برای زندگی چندهمسری، تفاوت معنی داری وجود دارد ($P < ۰/۰۰۱$). به طوری که بیشترین تأثیر مربوط به غرایز جنسی با میانگین (۶/۴۹) و کمترین تأثیر برای بسترهای آزاد تعاملی با میانگین (۴/۵۵) بوده است.

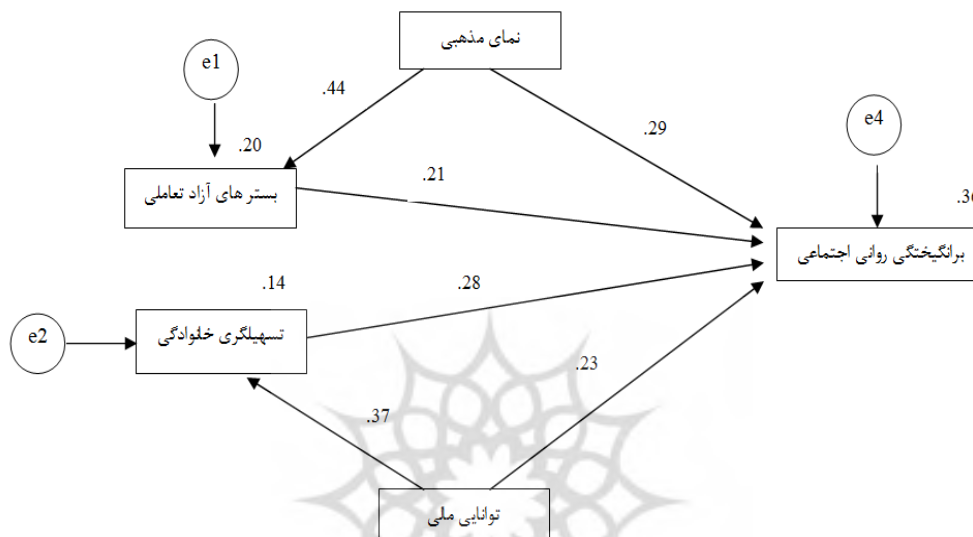
در یک جمع بندی از آزمون های مطرح شده، با استفاده از رگرسیون چندگانه، تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مورد بررسی قرار می گیرد. از مجموع متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون، ۴ متغیر مستقل تأثیر معنی داری بر متغیر وابسته داشته اند. از میان متغیرهای باقیمانده در مدل رگرسیون، متغیرهای بسترهای آزاد تعاملی، تسهیلگری خانوادگی، توانایی مالی و نمای مذهبی در مجموع بیشترین تأثیر را بر برانگیختگی روانی اجتماعی داشته اند.

جدول شماره ۴. رگرسیون تأثیر متغیرهای مستقل بر برانگیختگی روانی اجتماعی

متغیرهای مستقل	ضرایب استاندارد نشده B	خطای معیار	ضرایب استاندارد شده (Beta)	T	سطح معنی داری
بسترهای آزاد تعاملی	۰/۲۴۰	۰/۰۶۴	۰/۲۱۲	۳/۷۳۴	۰/۰۰۰
تسهیلگری خانوادگی	۰/۴۰۵	۰/۰۷۹	۰/۲۸۰	۵/۰۹۱	۰/۰۰۰
توانایی مالی	۰/۲۵۴	۰/۰۶۲	۰/۲۲۶	۴/۱۲۴	۰/۰۰۰
نمای مذهبی	۰/۳۹۷	۰/۰۷۷	۰/۲۹۳	۵/۱۴۵	۰/۰۰۰

ضریب تعیین = ۰/۳۶۲

جدول (۴) بیانگر آن است که با استفاده از واریانس ترکیب خطی متغیرهای مستقل، می توان ۳۶/۲ درصد از واریانس برانگیختگی روانی اجتماعی را تبیین کرد. مابقی تغییرات متغیر وابسته به دلیل پیچیدگی و چندبعدی بودن متغیر وابسته تحقیق، یعنی برانگیختگی روانی اجتماعی مردان به زندگی چندهمسری و همچنین به حساب نیامدن برخی از متغیرهایی است که بر این متغیر تأثیر گذار هستند. به منظور تعیین چگونگی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در این پژوهش، از تحلیل مسیر استفاده شده است.



شکل ۱. تحلیل مسیر اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر برانگیختگی روانی اجتماعی

تحلیل مسیر اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر برانگیختگی روانی اجتماعی مردان به زندگی چندهمسری نشان می دهد که متغیر نمای مذهبی بیشترین تأثیر را بر برانگیختگی روانی اجتماعی دارد.

جدول شماره ۵. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر برانگیختگی روانی اجتماعی

کل	نوع اثر		متغیرهای مستقل
	غیرمستقیم	مستقیم	
۰/۲۱۲	---	۰/۲۱۲	بسترهای آزاد تعاملی
۰/۲۸۰	---	۰/۲۸۰	تسهیلگری خانوادگی
۰/۳۳۰	۰/۱۰۴	۰/۲۲۶	توانایی مالی
۰/۳۸۵	۰/۰۹۲	۰/۲۹۳	نمای مذهبی

در جدول (۵)، اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تحقیق نشان داده شده است که متغیر نمای مذهبی بیشترین تأثیر را بر برانگیختگی روانی اجتماعی مردان به زندگی چندهمسری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش متغیرهای ازدواج سنتی، غرایز جنسی، بسترهای آزاد تعاملی، دل‌بستگی، نمای مذهبی، مقصرانگاری همسر اول، تسهیلگری خانوادگی، نمایش اقتدار، توانایی مالی و دو اقامتگاهی در برانگیختگی روانی اجتماعی مردان به زندگی چندهمسری انجام شد که در ادامه بحث و نتیجه‌گیری آن آورده شده است.

بعضی از ازدواج‌هایی که در جامعه بلوچستان صورت می‌گیرد از نوع ازدواج‌های زودرس و تحمیلی می‌باشند که در آن پسران و دختران به استقلال فکری، کفایت و استقلال اقتصادی نرسیدند و یکی از آثار رسیدن به بلوغ فکری انتخاب همسر با میل و علاقه خویش است. ازدواج فامیلی و خویشاوندی یکی از ارزش‌های قوم بلوچ است که ریشه طولانی دارد، حاصل بعضی از این نوع ازدواج‌ها ناخشنودی از آن در آینده است؛ اما واقعیت آن است که طلاق و جدایی در ازدواج‌های فامیلی به دلیل سخت بودن آن کمتر اتفاق می‌افتد، چراکه با جدایی دو نفر از هم اغلب کل روابط خانوادگی تحت الشعاع قرار می‌گیرد و ممکن است باعث ازهم‌پاشیده شدن یک فامیل بشود، مرد برای اینکه از طلاق فامیلی و جدایی دو خانواده جلوگیری نماید، بهترین راه چاره را «گرفتن همسری دیگر در کنار همسر قبلی خود می‌داند (اسمعیلی و همکاران، ۱۳۹۸). کمترین مقدار نسبت طلاق به ازدواج مربوط به استان سیستان و بلوچستان (مومن طایفه، ۱۳۹۳) نیز گویای منفور بودن طلاق و رواج بیشتر ازدواج در بین قوم بلوچ است. یافته‌های این تحقیق با یافته‌های تحقیق اسمعیلی و همکاران (۱۳۹۸)، رضازاده (۱۳۸۷) و رمضان نرگسی (۱۳۸۴) همسو است. نتایج تحقیقات آن‌ها ازدواج اول به صورت سنتی و ازدواج اجباری را از جمله عوامل مؤثر بر چندهمسری مردان برشمرده‌اند که همسانی نتایج برحسب همسان بودن فرهنگ دانست.

برخی از مردان به دلیل داشتن میل به زیاده‌خواهی و تنوع‌طلبی و هیجانات کاذب و زودگذر، گرایش به روابط متعدد دارند. آن‌ها به زن به دیده «غنیمت جنسی» می‌نگرند و باوجود یک زن در زندگی تصور می‌کنند فرصت‌های زیادی را از دست داده‌اند و آن را با داشتن چند زن، پوشش می‌دهند. همچنین برخی از زنان با مشکل سردمزاجی مواجه می‌شوند و به دنبال درمان آن نمی‌روند، این موضوع موجب سردی روابط بین زوجین می‌گردد و سبب فاصله گرفتن زوجین از یکدیگر می‌شود. برخی مردان برای برطرف کردن نیازهای جنسی خود به جای درمان سردمزاجی همسر به برقراری رابطه با زنان دیگر گرایش پیدا می‌کنند و اگر زمینه تعدد زوجات برایش مهیا شود، اقدام به ازدواج مجدد می‌کند. یافته‌های این تحقیق با یافته‌های تحقیقات اسمعیلی و همکاران (۱۳۹۸)، اکبری قوام‌آبادی (۱۳۹۵)، حسین‌زایی (۱۳۹۵) و امامی (۱۳۹۲) که گزینه جنسی را از عوامل دخیل در چندهمسری مردان دانستند، همسو است.

می‌توان رفتار چندهمسری مردان را رفتار ترکیبی که در تعامل با شرایط اجتماعی و روابط بین فردی و احتمالاً وجود تمایل از جانب برخی زنان در این زمینه شکل می‌گیرد، ارزیابی نمود (عارف نظری و مظاهری، ۱۳۸۴). نوع خلقت انسان به‌ویژه در سن جوانی به گونه‌ای است که جنس مخالف، برای او جاذبه دارد و اگر ارتباط پیوسته بین پسر و دختری برقرار باشد، بعد از مدتی به یکدیگر علاقه‌مند می‌شوند و اگر این ارتباط و دوستی ادامه یابد از حد عاقلانه گذشته تا حدی که معایب یکدیگر را نمی‌بینند. در این گونه ارتباطات هریک از دو طرف ابتدا به حداقل‌ها

راضی و خشنود هستند و شاید هدفی جز نگاه کردن و سخن گفتن با یکدیگر ندارند، ولی هنگامی که رفاقت و معاشرت ادامه دار شد، دیگر به این حد قانع نیستند و خواهان ارتباط بیشتر می‌شوند، به شکلی که قدم‌به‌قدم و مرحله‌به‌مرحله، خواسته‌های طرفین فزونی یافته، ارتباط پیشین را به‌هیچ‌وجه کافی و ارضاکنده به حساب نمی‌آورند. خیلی از این رابطه‌ها که به رابطه جنسی کشیده می‌شود، دیگر قطع آن ارتباط برایشان دشوار خواهد بود و بسته به اعتقادات فرهنگی و خانوادگی و توانایی مالی، مرد متأهل به ازدواج با طرف مقابل رابطه روی آورده و خانواده چندهمسری شکل می‌گیرد (اسمعیلی، ۱۳۹۸). نتایج تحقیق اسمعیلی و همکاران (۱۳۹۸) با این تحقیق همسو است، زیرا این دو تحقیق توسط یک محقق، در یک فرهنگ و با اهداف یکسانی صورت گرفته‌اند و به دلیل کمی بودن تحقیقات و نبود ابزار جامع جهت جمع‌آوری اطلاعات در خصوص علل چندهمسری مردان تاکنون و همچنین قبح و زشت شمردن رابطه آزاد با جنس مخالف توسط مردان متأهل این عامل تاکنون به‌عنوان عامل چندهمسری مردان گزارش نشده است.

تبیین پدیده چند همسرگزینی با استفاده از الگوهای دل‌بستگی که نقش آن در الگوهای رفتاری بزرگ‌سالی به اثبات رسیده است و نتایج تحقیقات انجام‌گرفته نشانگر این نکته است که رابطه میان الگوهای دل‌بستگی و نگرش‌ها و رفتارهای جنسی مردان و زنان حاکی از نیرومند بودن این عوامل بوده و رابطه تنگاتنگ الگوهای دل‌بستگی و روابط جنسی را در زوجها نشان می‌دهد (عارف نظری و مظاهری، ۱۳۸۴). بنابراین با توجه به سبک دل‌بستگی شکل‌گرفته بسیاری از مردان متأهل اسیر رابطه‌ای می‌شوند که در آن نیازشان برآورده شده و در نتیجه احساس امنیت بیشتری از رابطه با همسر خود می‌نمایند و حاضر به قطع آن نبوده و ذهنشان مشغول و از نظر روانی برانگیخته زندگی چندهمسری می‌شوند و از طرفی نیز دختران مجرد و یا زنان مطلقه و بیوه نیز زمانی که احساس امنیت نمایند، دل‌بستگی‌شان از نایمن به ایمن مبدل خواهد شد. راسل در کتاب زناشویی و اخلاق می‌نویسد: بسیاری از مردم امروز عشق را یک مبادله منصفانه احساسات می‌دانند و این خود به‌تنهایی صرف‌نظر از دلایل دیگر برای محکوم کردن چندهمسری کافی است. با توجه به اینکه پژوهش اسمعیلی و همکاران (۱۳۹۸) با پژوهش حاضر در یک فرهنگ و با اهداف یکسانی صورت گرفته است، پژوهشگر توانسته است با توجه به روش کیفی پژوهش قبلی خویش در دل مشارکت‌کنندگان رخنه کرده و عامل دل‌بستگی را کشف نماید؛ و همسانی نتایج، یکسانی فرهنگ را در حجم وسیع‌تر نشان می‌دهد.

الگو قرار دادن پیامبر، قبح روابط فرا زناشویی و تأکید اسلام بر سرپرستی یتیمان و بیوه‌ها جهت کسب رضایت خداوند از مهم‌ترین باورهای دینی مؤثر در چندهمسری مردان منطقه بلوچستان محسوب می‌شوند. یافته‌های این تحقیق با یافته‌های تحقیق (Thobejane & Flora, 2014)؛ (biloglu, Atl, Özkan (2018)؛ اسمعیلی و همکاران، (۱۳۹۸)، علی‌نقیان و روستاخیز (۱۳۹۷)، اکبری قوام‌آبادی (۱۳۹۵)، محمدی و آسکانی، (۱۳۹۵) و نایستی زایی (۱۳۸۵) همسو است، زیرا تحقیقات داخلی همسو دارای فرهنگ یکسان با این پژوهش بوده‌اند؛ اما یافته‌های این تحقیق با تحقیق رضازاده (۱۳۸۷) همخوانی ندارد، زیرا عوامل فرهنگی و اعتقادات مذهبی و دینی در مسائلی همچون چند

همسرگزینی مردان بسیار تأثیرگذار خواهد بود و این خود دلیل قانع کننده‌ای بر نتایج متفاوت بین اعتقادات و فرهنگ متفاوت مردم شهرستان گچساران و سراوان خواهد بود.

مقصرانگاری همسر اول در برانگیختگی مردان به زندگی چندهمسری را می‌توان به عوامل خیانت زن اول، نازا بودن همسر و سوءتفاهم‌های ناشی از اختلافات فرهنگی بین زن و شوهر دانست. خیانت، هرگونه رابطه یا فعالیتی است که در آن فرد از روابط با یک فرد سوم لذت می‌برد که قاعداً می‌بایست در همراهی با همسرش تجربه می‌کرده است. هر فردی باید خودش درباره نحوه ادامه یا قطع رابطه با همسر خیانت‌کارش تصمیم بگیرد و نمی‌توان این وظیفه را به صورت نسخه‌ای از قبل پیچیده شده در نظر گرفت یا به دوش والدین، دوستان یا درمانگران گذاشت. از آنجایی که مرد، زن اول خود را نیز بسیار دوست می‌دارد و هنوز به او علاقه‌مند است و مرد بلوچ طلاق را بسیار کار ناپسندی می‌داند و حاضر به طلاق او نیست و راه‌حل دیگری که اختیار همسر دوم است را انتخاب می‌کند (اسمعیلی، ۱۳۹۸). یکسانی و شباهت بین زوجین و خانواده‌های آنان زمینه سازگاری و تفاهم بیشتر را فراهم می‌آورد و تفاوت و عدم تجانس بین زوجین منجر به نارضایتی می‌شود و شکاف عمیق را در روابط خانواده‌ها و زوجین ایجاد می‌کند که بعضی اوقات این شکاف عمیق در قالب تعدد زوجات (در منطقه بلوچستان) و یا طلاق نمایان می‌شود (اسمعیلی و همکاران، ۱۳۹۸). بسیاری از زوجین به دلیل علاقه به بچه کوچک خیلی زود آرزو داشتن فرزند را می‌کنند، اما تعدادی از آنان به دلایل مختلف صاحب فرزند نمی‌شوند؛ اما نداشتن فرزند دلیلی بر پایان دادن به پیوند زناشویی نخواهد بود و با توجه به رواج داشتن چندهمسری مردان در فرهنگ بلوچ، آن‌ها راه دوم یعنی تعدد زوجات را برای داشتن فرزند برمی‌گزینند. یافته‌های این تحقیق با یافته‌های تحقیقات (اسمعیلی و همکاران، ۱۳۹۸)، تقی زاده و حمیدی سوها (۱۳۹۶)، حسین‌زایی (۱۳۹۵)، رضازاده (۱۳۸۷) و نایستی زایی (۱۳۸۵) همسو است. آن‌ها عدم حس مسئولیت‌پذیری زن، مشکلات جسمانی و رفتاری زنان، ابتلای زن به جنون یا داشتن بیماری صعب‌العلاج و نازایی را از مهم‌ترین مشکلات خانوادگی مؤثر در چندهمسری مردان برشمردند.

خانواده‌ها نیز می‌توانند شکل‌گیری چندهمسری مردان را تسهیل نمایند. درماندگی خانواده زن اول، پافشاری زن دوم، حمایت خانواده و حمایت دوستان می‌توانند در برانگیختگی مردان به زندگی چندهمسری نقش مهمی را ایفا نمایند. در برخی فرهنگ‌ها، خانواده آداب سنتی قدیمی را همچنان از نیاکان خود یادگاری می‌کنند و پدران هیچ‌وقت حاضر نیستند، دخترانشان طلاق بگیرند و بر این باور استوارند که دختر در خانه شوهر بمیرد اما طلاق نگیرد و طلاق را به‌عنوان یک پدیده‌ای بسیار بد برای خانواده تلقی می‌کنند و به عواقب بعدی آن نیز آگاهی کامل داشته و از آن هراسانند، به همین دلیل دختران خود را به ادامه زندگی با شوهری که ازدواج مجدد کرده است، راهنمایی و ارشاد می‌کنند که نشان‌دهنده درماندگی خانواده زن اول است که بدین صورت، خانواده چندهمسری شکل می‌گیرد (اسمعیلی، ۱۳۹۸). پافشاری زن دوم در چند همسر بودن مردان را می‌توان این‌گونه مطرح نمود که در ازدواج‌های امروزی، فرد محورتر است. یعنی دختر و پسر پیش از آنکه پای خانواده‌ها به میان بیاید، تصمیم به شناخت همدیگر می‌گیرند و وقتی مطمئن شدند این آشنایی عاقبت خوبی در پی خواهد داشت،

ماجرای رسمی و علنی می‌کنند. دختران امیدوارند که این دوستی به ازدواج ختم شود. در این شرایط، طولانی شدن دوستی، عمق گرفتن آن و نزدیک شدن بسیار زیاد دختر و پسر به هم برای دختران معنای قطعی شدن ازدواج را دارد و برای ازدواج با فرد موردنظرشان اصرار و پافشاری می‌کنند و حتی گاهی اوقات خانواده خود را فدای فرد موردنظرشان می‌کنند و سعی می‌کنند با کلیه شرایط کنار بیایند تا این ازدواج صورت گیرد، چه بسا گاهی اوقات زندگی کردن در کنار یک همسر دیگری باشد. خانواده‌های سالم، شیوه‌های رفتاری ناموفق در حل مشکلات را رها ساخته و به جستجوی استراتژی‌های نو و خلاق می‌پردازند، درحالی‌که خانواده‌های مشکل‌دار به انکار مشکل می‌پردازند و یا سعی می‌کنند آن را بر اساس منطق روزمره و شیوه‌های هیجانی حل کنند. شیوه حل مشکلات در خانواده‌هایی که پسرشان با همسر خود مشکل زناشویی داشته و در حل آن مشکل عاجز شده‌اند نیز متفاوت خواهد بود، اما همچنان خانواده‌ها حامی فرزندانشان خواهند بود و بر اساس شیوه ناکارآمد پسر خود را به جای حل مشکلات زناشویی با همسر خود به سمت ازدواج مجدد و گرفتن زن دوم سوق می‌دهند (اسمعیلی و همکاران، ۱۳۹۸). انسان به فطرت خود در سراسر زندگی خویش میل به رفاقت و دوستی دارد و این ویژگی پاسخ به نیاز طبیعی در انسان است که او را از تنهایی و بی‌پناهی خویش می‌رهاند و در پرتو دوستی‌ها، شخصیت او به نقطه کمال یا سقوط می‌رسد. رفقا و دوستان نه تنها با هم انس می‌گیرند و با مصاحبت و هم‌نشینی موجبات شادمانی و نشاط یکدیگر را فراهم می‌سازند بلکه هر دوستی، به مقیاس درجه رفاقتش در امور مادی و معنوی رفیق خود نفوذ می‌کند و هر یک دانسته یا ندانسته روی عقاید، اخلاق، رفتار و گفتار دیگری اثر می‌گذارد. باور و فکر و رفتار و اعمال هر کدام بر دیگری تأثیر می‌گذارند و رفته‌رفته عقاید و آمال و آرزوهایشان یکی می‌شود. برجسته نمودن مسائلی از قبیل چندهمسری توسط دوستان در بلوچستان گاهی اتفاق می‌افتد و دوستان را تحریک و ترغیب می‌کند و صمیمیت و اعتماد داشتن به گفته‌های طرف مقابل این موضوع را تشدید و فرد را برای زندگی چندهمسری برانگیخته می‌کند. یافته‌های این تحقیق با تحقیقات اسمعیلی و همکاران (۱۳۹۸)، رضازاده (۱۳۸۷)، رمضان نرگسی (۱۳۸۴) و James (2013) همخوانی دارد؛ زیرا شرایط اقتصادی و اجتماعی خانواده‌های موردتحقیق چهار پژوهش، شامل: پایین بودن سطح توقعات و خواسته‌های آن‌ها، عدم توانایی تأمین مخارج خانواده‌هایی که فرزند دختر، بیوه و یا مطلقه دارند، پایین بودن آمار طلاق به دلیل اعتقادات مذهبی و منفور دانستن آن توسط والدین زن اول، بسیاری از خانواده‌ها حاضر می‌شوند دختران مجرد و یا بیوه و مطلقه خود را از گزند آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی و اقتصادی رها ساخته و به عقد مرد متأهل درآوردند.

پذیرش چند همسرگزینی مردان در بلوچستان در بیرون از خانواده بیشتر از درون خانواده است، یعنی وقتی که مردان متأهل، اقدام به ازدواج مجدد می‌نمایند از سوی همسایگان، علمای مذهبی، اقوام و بستگان موردپذیرش قرار گرفته و رفتار آن‌ها مورد تأیید اجتماعی است (محمدی و آسکانی، ۱۳۹۴). نتایج ما با نتایج تحقیقات اسمعیلی و همکاران (۱۳۹۸)، محمدی و آسکانی (۱۳۹۴)، رمضان نرگسی (۱۳۸۴) و Mour (1987) به نقل از مجاهد و بیرشک (۱۳۸۲) که مطرح می‌نمایند در جوامعی که پدیده چند همسرگزینی جزئی از عرف و هنجارهای اجتماعی آن جوامع تلقی گردیده است، پدیده گرفتن زن دوم نشانه‌ای از پایگاه و شأن اجتماعی مردان آن جامعه

محسوب می‌شود، همسو است، زیرا تحقیق آن‌ها در جوامعی انجام گرفته است که چندهمسری مردان به‌عنوان یک عرف شناخته شده و بین مردان رواج داشته است.

اکثریت مردان بلوچ با مبحث داشتن توانایی مالی برای داشتن چند زن موافق بوده و مردان مذهبی دارای توانایی مالی درخواست سرپرستی زنان مطلقه، بیوه و دختران مسن و زن برادر فوت شده خود را می‌کنند تا از آسیب‌های پیش روی آن‌ها جلوگیری شود و چه‌بسا همین مردان مذهبی که صاحب نفوذ در بین خانواده‌ها هستند باعث و عاملی برای شکل‌گیری خانواده‌ی چندهمسری می‌شوند. نتایج این تحقیق با تحقیقات (Reynos, 2019)، (Croix & Marian, 2015)، (Thobejane & Flora, 2014)، (James, 2013) اسمعیلی و همکاران (۱۳۹۸)، علی‌نقیان و روستاخیز (۱۳۹۷)، تقی‌زاده و حمیدی سوها (۱۳۹۶) و ناستی‌زائی (۱۳۸۵) همسو بوده است؛ اما با تحقیق رضازاده (۱۳۸۷) همسو نیست. زیرا در تحقیق حاضر، توانائی مالی جزء عواملی مطرح شده است که در چند همسرگزینی مردان تأثیرگذار است. مردانی وجود دارند که توانائی مالی نداشته اما در معرض دیگر شرایط چند همسرگزینی قرار گرفته و آن شرایط موجب برانگیختگی روانی اجتماعی آن‌ها شده است.

فرهنگ عشیره‌ای و قبیله‌ای هنوز هم بر جمعیت قوم بلوچ تسلط دارد. آن‌ها مبادلات و مراودات خود را عمدتاً در شکل قبیله‌ای و فامیلی برای جلوگیری از پیامدهای گسترش فعالیت‌های غیرقانونی و ناامنی اجتماعی، توسعه می‌دهند (طوقی، ۱۳۷۹)؛ و شکل توسعه آن برای مردان بلوچ، گرفتن زن دیگری از قبیله و فامیل معروف و نامدار در شهر و یا کشور دیگر است تا از این طریق خود را به آن قبیله و فامیل نزدیک نموده تا بهتر بتواند در بین دو شهر و یا دو کشور تردد نموده و به فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خود بپردازد. همچنین در مواردی که مرد دور از همسرش زندگی می‌کند و امکان انتقال همسر به آن مکان فراهم نیست، بعضی از مردان به دلیل تحریک جنسی و عدم گرایش به روابط فرا زناشویی به چند زنی روی می‌آورند. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق رمضان نرگسی (۱۳۸۴) همسو است. ناهم‌سو بودن نتایج تحقیق در زمینه دو اقامتگاهی مرد در برانگیختگی به چندهمسری را مرزنشین بودن نمونه پژوهش و تردد بین مرز برای امور اقتصادی و دور بودن از همسر به مدت طولانی بیان داشت.

عده‌ای از افراد عوام اهل تسنن با القاء اینکه اسلام تا چهار زن را طبق نص صریح قرآن در سوره نساء امر نموده است و با ترویج این طرز فکر بین عامه مردم آنان را جهت پیشگیری از زنا، سرپرستی زنان بیوه و مطلقه و ترس از انحراف جنسی، آن‌ها را ترغیب به همسرگزینی می‌نمایند، چه‌بسا که این عده خود بر اثر مسائل و دلایل غیرازاین گرفتار چندهمسری شده‌اند و برای ترغیب دیگران از اهرم مذهب و آیات قرآن استفاده می‌نمایند (طوقی، ۱۳۷۹)؛ و با توجه به نفوذ و تأثیر روحانیون بر نگرش و رفتار افراد جامعه می‌توان نمای مذهبی را به‌عنوان تأثیرگذارترین متغیر در برانگیختگی روانی اجتماعی مردان به زندگی چندهمسری برشمرد.

محدودیت‌ها و پیشنهادها. از جمله محدودیت‌های پژوهش می‌توان به عدم وجود ابزار مناسب جهت گردآوری داده‌ها و عدم امکان تعمیم نتایج فرهنگ شهرستان سراوان که یک منطقه با قومیت بلوچ و سنی نشین است به سایر مناطق، اشاره نمود. البته می‌توان این پژوهش را در فرهنگ‌های مختلف به صورت کمی و کیفی تکرار نموده و

مقایسه‌ای با سایر فرهنگ‌ها صورت گیرد. روان‌شناسان و مشاوران می‌توانند با استفاده از نتایج این تحقیق از علل گرایش مردان به چندهمسری اطلاع یافته و بر اساس آن نسبت به مشاوره و بالا بردن سطح آگاهی مردم اقدام نمایند. متولیان و مبلغین دینی به نحو مطلوبی تبیین درست و دقیق نگرش اسلام در مورد چند زنی را در جامعه آموزش دهند.

تعارض منافع. نویسندگان متعهد می‌شوند پژوهش حاضر هیچ‌گونه تعارض منافی ندارد.

سپاسگزاری. این مقاله استخراج‌شده از نتایج رساله تحصیلی دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد است. نویسندگان از همه شرکت‌کنندگان در این مطالعه، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایند.

منابع

- اسمعیلی، قاسم. (۱۳۹۸). تبیین گرایش به چندهمسری در بین مردان شهرستان سراوان: یک پژوهش ترکیبی، پایان‌نامه دکتر، گروه مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.
- اسمعیلی، قاسم؛ افشانی، سید علیرضا؛ فلاح، محمدحسین و وزیر، سعید. (۱۳۹۸). کاوشی کیفی از علل و زمینه‌های شکل‌گیری چندهمسری مردان، *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۹ (۳۴)، ۸۲-۶۳. [[link](#)]
- استیفن، پی رایترز. (۱۳۸۶). مبانی رفتار سازمانی، ترجمه علی پارسایان و سید محمد اعرابی. چاپ چهاردهم. دفتر پژوهش‌های فرهنگی. (۲۰۰۸).
- ابراهیمی، جواد. (۱۳۸۶). تغییرات همیشه بد نیست، *روزنامه قلمس*، ش ۵۶۲۹.
- امامی، مسعود. (۱۳۹۲). فلسفه حکم تعدد زوجات، *پژوهش‌نامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده*، ۱ (۱)، ۵۹-۸۰. [[link](#)]
- بابا زاده، علی‌اکبر. (۱۳۷۵). مسائل ازدواج و حقوق خانواده. چاپ سوم، اصفهان: کتاب‌سرای الزهراء.
- تقی زاده، مهدیه و حمیدی سوها. (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی مسئله تعدد زوجات در حقوق و رهنه قضایی ایران. *زن در فرهنگ و هنر*، ۹ (۲)، ۲۶۵-۲۸۹. [[link](#)]
- حسین زایی، سعیده. (۱۳۹۵). نگرش زنان شهر ایرانشهر نسبت به چندهمسری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، دانشکده علوم اجتماعی.
- جان، مارشال ریو. (۱۳۹۵). انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی سید محمدی. چاپ بیست و هفتم. نشر ویرایش.
- رضازاده، علی. (۱۳۸۷). بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر چندهمسری‌گزینی مردان در منطقه باشت از توابع شهرستان گچساران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور شیراز.
- رمضان نرگسی، رضا. (۱۳۸۴). بازتاب چندهمسری در جامعه. کتاب زنان، *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان*. ۲۷، تهران. [[link](#)]
- طوقی، حمید. (۱۳۷۹). جامعه نوین بلوچستان. زاهدان: انتشارات صدیقی.
- عارف نظری، مسعود و مظاهری، محمدعلی. (۱۳۸۴). سبک‌های دل‌بستگی و شیوه همسرگزینی (چندهمسری-تک‌همسری). *فصلنامه خانواده‌پژوهی*. ۱ (۴)، ۳۹۳-۴۰۵. [[link](#)]
- علی‌نقیان، شیوا و روستاخیز، بهروز. (۱۳۹۷). فهم پدیدار شناختی چندهمسری در میان بلوچ‌های ساکن شهرستان چابهار. *مجله پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*. ۸ (۱)، ۹۵-۱۱۷. [[link](#)]

- کوئن، بروس. درآمدی بر جامعه‌شناسی. (۱۳۷۵). ترجمه محسن ثلاثی. تهران: توتیا، بدون تاریخ اصلی.
- گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت. (۱۳۹۶). خانواده‌درمانی. ترجمه حسین شاهی برواتی و سیامک نقش‌بندی و الهام ارجمند. تهران: نشر روان، تاریخ اصلی ۲۰۰۸.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۶). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: آل طه.
- محمدی، نیما و آسکانی، خان محمد. (۱۳۹۴). مطالعه سلامت روانی مردان با تأکید بر سنت چندهمسری در شهرستان سرپاز. *زن در فرهنگ و هنر*. ۷(۲)، ۲۵۷-۲۶۸. [[link](#)]
- مجاهد، عزیز الله و بیرشک، بهروز. (۱۳۸۲). وضعیت رفتاری کودکان و سلامت روانی والدین در خانواده‌های چندهمسری. *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی*، ۳(۹)، ۶۰-۶۷. [[link](#)]
- طایفه مومن، معصومه. (۱۳۹۳). تحلیل شاخص‌های ازدواج و طلاق در کشور، آمار، شماره ۶. [[link](#)]
- نایستی زائی، ناصر. (۱۳۸۵). عوامل مؤثر در تعدد زوجات از دیدگاه دانشجویان بلوچ. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، ۳(۵)، ۶۳-۷۶. [[link](#)]
- نصیری، سمیه. (۱۳۹۷). نقش تعدد زوجات در سبک زندگی اجتماعی اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی آمل.

References

- Al-Krenawi, A. (2016). Polygamy and Mental Health: an International Perspective. *Psychology and Psychiatry*. 1 (1). 1-3. [[link](#)]
- Croix, D. and Mariani, F. (2015). From Polygyny to Serial Monogamy: A Unified Theory of Marriage Institutions. *Review of Economic Studies*, 82, (2): 565-607. [[link](#)]
- Esmaili, Gh., Sadrpushan, N, Gorji, Y. (2012). Comparison of Life Quality for Men in Monogamy and Polygamy Families. *Journal of Sociological Research*. 3 (2):428-439. [[link](#)]
- James, F. (2013). African polygamy: Past and present. *Centre for the Study of African Economies*. 20:1-39. [[link](#)]
- Reynos, A. (2019). Polygamy, co-wives' complementarities, and intra-household inequality. [[Link](#)]
- Thobejane, T.D., & Flora, T. (2014). An Exploration of Polygamous Marriages: A Worldview. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 5 (27):1058-1066. [[link](#)]
- İbiloğlu, A. O, Atl, A, Özkan, M. (2018). Negative effects of polygamy on family members in the province of Diyarbakir, Turkey. *Cukurova Medical Journal*. 43 (4): 982-988. [[link](#)]
- Maalim Hussein, A. (2016). Effects of Polygamy on Education in Kenyan Society. *International Journal of Humanities and Social Science*. 5 (11): 60- 63. [[link](#)]

References (In Persian)

- Esmaili, Gh. (2019). Explain the tendency of men to polygamy in the city of Saravan: a mix method study, PhD thesis, Department of Counseling, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University, Yazd Branch.
- Esmaili, Gh., Afshani, S, A, R., Fallah, M, H., & Vaziri, S. (2019). Qualitative Exploration of the Causes and Context of Men's Polygamy. *Social Psychology Research*, 9(34):63-82. [[link](#)]
- Stephen, P. R. (2007). Fundamentals of Organizational Behavior, translated by Ali Parsaiyan and Seyed Mohammad Arabi. Fourteenth edition. Office of Cultural Research. (2008).
- Abrahimi, J. (2007). Changes are not always bad, Qods Newspaper, No. 5629.

- Emami, M. (2013). The Philosophy of polygamy of Marriages, *Islamic Studies Journal of Women and Family*, 1(1), 59-80.[[link](#)]
- Babazadeh, A, A. (1997). Marriage and family law issues. Third Edition, Isfahan: Al-Zahra Library.
- Taghizadeh, M., & Hamidi Soha, Z. (2018) .Pathology of the problem of polygamy in Iranian law and procedure, *Women in Culture and Art*, 9 (2), 265-289. [[link](#)]
- Hosseinzai, S. (2016). Attitude of women in Iranshahr city toward polygamy. M.Sc., Social Sciences, Yazd University.
- John, M, R. (2016). Motivation and excitement, translated by Yahya Seyed Mohammadi, Twenty-seventh editions. Edit Publishing.
- Reza Zadeh, A. (2008). Investigation of Economic, Social and Cultural Factors Affecting Polygamy of Men in Basht Area of Gachsaran City. Master's thesis in Sociology, Payame Noor University of Shiraz.
- Ramazan Nargesi, R. (2005). Polygamy reflection in society. Women's Book, *Journal of the Women's Social and Cultural Council*. 27, Tehran.] [[link](#)]
- Toughie, H. (2000). New Baluchistan Society. Zahedan: Sedighi Publications.
- Aref Nezari, M., & Mazaheri, M, A. (2005). Attachment styles and spouse selection (polygamy-monogamy). *Journal of Family Studies*. 1 (4), 393-405[. [link](#)]
- Ali Naqian, Sh., & Rostakhiz, B. (2019). Multidimensional phenomenological understanding among Baluchis living in Chabahar city. *Iranian Journal of Anthropology Research*. 8 (1), 95-117.] [[link](#)]
- Coin, B. An Introduction to Sociology. (1996). Translated by Mohsen Solesi. Tehran: Tutia, no original date.
- Goldenberg I., & Goldberg H. (2018). Family Therapy. Translated by Hussein Shahi Bravati and seamak Naghshbandi and Elham Arjmand. Tehran: Ravan Publication, original date 2008.
- Motahari, M. (2018). The system of women's rights in Islam. Tehran: Al Taha.
- Mohammadi, N., & Askani, Kh, M. (2015). Mental health study of men with emphasis on polygamy tradition in Sarbaz city. *Woman in Culture and Art*. 7 (2), 257 – 268.[[Link](#)]
- Moujahid, A., & Bireshk, B. (2003). Behavioral status of children and parental mental health in polygamous families. *Psychiatry and Clinical Psychology*, 3 (9), 67-60. [[link](#)]
- Moaman, T, M. (2014). Analysis of Marriage and Divorce Indicators in the Country, Statistics, No. 6.[[Link](#)]
- Naseti zaei, N. (2006). Factors Affecting of polygamy from the Baluch Students' Viewpoint. *Journal of Educational Science and Educational Psychology, Sistan and Baluchestan University*, 3 (5), 76-63.[[link](#)]
- Nasiri, S. (2019). The role of polygamy in Islamic social life style. M.Sc. thesis, Department of Islamic Theology and Science, Holy Quran University of Science and Education, Amol School of Quran Sciences.